درنگ

ناشناس عزیز! متشکریم

دورنمایی از دروازه بجنورد و عمارت حکومتی
که آقا رضا عکاس باشی آن را حوالی سال های ۱۲۸۴ قمری گرفته است

شهلا سجودی
بازرسه نگار

استفاده از عنوان «لو رفتن عکس...» در تیتر، ضرب خبر را چنان بالا می برد که در همه جای دنیا ظرفیت تبدیل شدن به ترند و قرار گرفتن در سرخط خبرها را دارد، اما شاید تنها در ایران باشد که لو رفتن تصاویر مربوط به حدود ۱۵۰ سال پیش هم خبر محسوب شود و فراتر از آن بتواند برای چند هفته ای در فضای مجازی طوفان به پا کند. آن هم نه فقط در میان علاقه مندان به هنر عکاسی و رشته تاریخ. بلکه در میان مردم عادی.

● **با عکس ها می توانیم درزمان سفر کنیم**

آن ناشناس عزیز که ۲۴ آلبوم و ۳ هزار و۲۰۰ قطعه عکس مربوط به عهد قاجار را از موزه کاخ گلستان آزاد کرد. در پیامش نوشته بود. تصاویر را برای علاقه مندان به هنر و فرهنگ ایران به صورت رایگان منتشر می کند تا اسناد تاریخی را از دست مجموعه دارانی که آن ها را «حبس» کرده اند. نجات دهد.

اما در اصل او نه تنها عکس های کاخ موزه گلستان، بلکه انگار فکر و ذهن ما را هم آزاد کرد. دوست عکاسی می گفت بعد از دیدن مجموعه عکس های «لوفرته» از کاخ موزه گلستان. تازه توانسته است معنی فلسفه عکاسی را که مد نظر «سوزان سانتاگ» در کتاب «درباره عکاسی» بوده است درک کند، اینکه «عکس نکه ای از زمان است». حالا با کمک عکس های منتشر شده بهتر می توان نکته های زمان را کنار هم چید و در خطوط زمانی سفر کرد، آن هم نه فقط به دوره قاجار بلکه به قرن ها قبل از آن. ما با همین عکس ها خرداد امسال توانستیم چند ساعتی به دوره اشکانی سفر کنیم و در «قلعه لاسجرد» چرخ بزنیم. چند دقیقه ای روی بالکن های عجیب و غریبش بنشینیم و از آن بالا گرق عظمتش شویم، بعد برای چند لحظه از تردبان بالا برویم و سری به پشت بام خانه های روی دیوار شهر بزنیم. قطعا اگر تصویر این قلعه عصر اشکانی در دوره قاجار ثبت نمی شد، امروز که تنها خرابه ای از آن در استان سمنان به جا مانده است. نمی توانستیم این قلعه دست کم دو هزار ساله را که از باغ های معلق بابل چیزی کم نداشت. تصور کنیم.

● **حالا می توانیم در عکس ها غرق شویم**

البته این تعریف ها به این معنی نیست که این ها اولین عکس هایی است که از عهد قاجار به دست ما رسیده است و بیش از آن هیچ تصوری از قبل نداشته ایم؛ بی شک عکس قاجاری دیده بودیم. برخی از ما بیشتر و برخی کمتر. اما تفاوت بین اینکه بتوانی بنشینی پای لپ تاپ و افراغ بال عکس ها را مثل یک آلبوم خانوادگی زیر و رو کنی، با اینکه سرسری در موزه بچرخی و از سر خستگی چند عکس ببینی، از زمین تا آسمان است.

● **همه غافل گیر شدیم**

کسانی که پیش از این، برای گرفتن یک عکس قدیمی چندین بار پله های مراکز اسناد مختلف کشور را بالا و پایین رفته و از این اوگان برای آن اوگان معرفی نامه برده اند، بیش از هر کس دیگری ارزش اقدام آن ناشناس عزیز را درک می کنند.

ازروی دست ها و کامنت های منتشر شده در فضای مجازی می توان فهمید تهرانی ها هم گرچه دسترسی شان نسبت به ما مشهدی ها به اطلاعات کاخ موزه گلستان راحت تر به نظر می رسد. دل خوشی از نحوه تعامل کارکنان و مدیران کاخ موزه گلستان نداشته اند و کاغذبازی ها و بروکراسی های اداری این کاخ برای دراختیار قرار دادن دو عکس برایشان گاهی چنان رنج آور و زمان بر بوده است که مجبور می شده اند قید دش را بزنند. به ویژه اینکه عکس هایی که پس از بروکراسی های اداری به آن ها تحویل داده می شده، کیفیت لازم را نداشته است. چنان که برخی از آن ها فکر می کردند کیفیت عکس های به جا مانده از عصر قاجار همین قدر ضعیف است و حالا آن ها هم از کیفیت عکس های منتشر شده متعجب شده اند. به این سختی ها، مشکلات راه دور و هزینه سفر و اقامت و... را هم اضافه کنید تا متوجه شوید شهرستانی ها برای دسترسی به چند عکس قدیمی، چقدر باید سختی بکشند.

● **گرفتاری در ترافیک برای یک عکس**

ما مشهدی ها با وجود آنکه مجموعه بزرگی چون مزار اسناد آستان قدس رضوی را در شهرمان داریم، باز برای دسترسی به عکس های تاریخی، با مشکلاتی شبیه به مشکل پایتخت نشینان روبه رو هستیم. ساعت کاری این مرکز نگهدار آزاد اسناد، محدود به زمان اداری است و برای افراد شاغل، دسترسی به اسناد به معنای گرفتن یک روز مرخصی از محل کار است. برای اینکه مرکز اسناد آستان قدس رضوی در مرکز شهر و در بافت پرتراقیک مستقر قرار دارد و دسترسی به یک عکس، یعنی چندین ساعت زمان برای رفتن و برگشتن.

● **اسناد تاریخی محرمانه نیستند**

در دوران کرونا، بسیاری از موزه های بزرگ جهان آثار خود را به عنوان «بازدید مجازی از موزه» منتشر کردند و مردم دنیا که رفتن به پاریس و بریتانیا برایشان رؤیایی دور از دسترس بود، توانستند از داخل خانه به معروف ترین موزه های دنیا دسترسی داشته باشند و آثار هنری ای را ببینند که پیش از آن باید برای تماشایشان چندین هزار دلار خرج می کردند. موزه لوور پاریس یکی از موزه هایی بود که سه چهارم همه آثارش را در فضای مجازی منتشر کرد تا گردشگران با نور ۳۶۰ درجه ای به راهروهای مختلف موزه سرکشی کنند. موزه های بریتیش، هلند و... از دیگر موزه های معروف دنیا هستند که هنوزهی توان به صورت مجازی از آن ها بازدید کرد.

انتشار عمومی نسخه دیجیتال عکس های آرشیوی، روال معمول بسیاری از کتابخانه ها، موزه ها، دانشگاه ها و مراکز اسنادی و پژوهشی در سراسر جهان است که انجام کار پژوهشی را در دنیای دیجیتال امروز آسان می کند.

این ها درحالی است که هنوز حتی اطلاعات مربوط به سال ها قبل که دیگر برچسب محرمانه هم ندارند. در ایران منوط به بروکراسی و کاغذبازی است. یکی از دلایل زمان بر بودن پایان نامه ها و گران بودن هزینه پژوهش در ایران نیز همین سختی های راه دسترسی به اطلاعات است. بی شک انتشار عمومی اسناد و به قول آن ناشناس عزیز: از حبس آزاد کردنشان، به تولید بیشتر علم کمک خواهد کرد.

مجید جلیسه درباره مشکلات پژوهشگران برای دسترسی به اسناد و عکس های تاریخی عنوان کرد

نگارش ناقص و جانب دارانه تاریـــخ نتیجه نگاه محدود مراکز اسناد

گفت وگو

مجید لاجی
بازرسه نگار

بسیاری از پژوهشگران حوزه تاریخ بر این باورند که موانع پیش روی پژوهشگران این حوزه، علاوه بر محبوس کردن اطلاعات تاریخی، موجب در پرده ابهام ماندن حقایق تاریخی خواهد شد، برای مثال اینکه اجانب در کشور ما نفوذ کرده و اسباب دزد شده اند. در سایه دسترسی به اسناد تاریخی روشن می شود. در هفته های گذشته، در سلسله گفت وگوهایی با عنوان «گفت وگوی تاریخ» که با دکتر فاطمه قاضی ها و دکتر رسول جعفریان، دوتن از پژوهشگران صاحب نام تاریخ کشورمان، داشتیم. به دلایل متعددی در خصوص مانع تراشی مراکز اسنادی برای پژوهشگران پرداختیم و از زاویه این صاحب نظران، تلاش کردیم به نقد و بررسی مشکلات موجود در حوزه پژوهش تاریخ بپردازیم و از آسیب هایی بگوییم که می توانند در روند انجام پژوهش های تاریخی خللی ایجاد یا حتی آن را متوقف کنند.

۲۵ آذر در تاریخ رسمی ایران به نام «روزپژوهش» ستد خورده است و همین مناسبت بهانه ای بود تا در سومین بخش از «گفت وگوی تاریخ» به سراغ «مجید جلیسه» برویم که کارنامه پرباری در حوزه پژوهشگری تاریخ ایران دارد. لازم به یادآوری است که اگر چه پرسش های مطرح شده با این پژوهشگر، از لحاظ مضمونی شباهت هایی با پرسش های مطرح شده با دکتر قاضی ها و دکتر جعفریان دارد، پاسخ های داده شده به سوالات وارائه برخی مصداق ها متفاوت و باتوضیحاتی کامل تر است.

● جناب جلیسه، ماجرای انتشار برخی از آلبوم های کاخ موزه گلستان که خرداد امسال رخ داد و در رسیدگی از رسانه ها، به ویژه شبکه های اجتماعی، بازتاب گسترده یافت، هنوز داغ است. بعد از این اتفاق بود که مردم به عمق فاجعه پی بردند و تا حدی متوجه رفتار انحصارگرایانه مجموعه هایی همچون کاخ موزه گلستان در مخفی نگه داشتن و در دسترس قرار ندادن اسناد و عکس های قاجاری شدند. آیا در همه این سال ها شاهد رویه ای آمیخته با سکوت از سوی رسانه ها بوده ایم یا اینکه پژوهشگران تمایل چندانی به حرف زدن درباره این رفتار انحصارگرایانه نداشته اند؟

البته که ما ایرانی ها ذاتا انسان های عافیت طلبی هستیم و در چالش ها سعی می کنیم یا مصالحه کنیم، یا از خیر ماجرا بگذریم و سکوت پیشه کنیم، اما باالین همه، به نظرم پژوهشگران و رسانه ها ساکت نبوده اند و پژوهشگران طی این سال ها، بارها زبان به اعتراض گشوده اند. به ویژه وضعیت بسته کاخ گلستان و این اعتراض ها هم کم و بیش رسانه ای است. اما خب، کافی نبوده و تعداد اعتراض ها کم بوده است. شاید یکی از دلایلش این است که پژوهشگران همیشه امید داشته اند و دارند که بتوانند از این کتابخانه ها و مراکز از طریق، خدماتی -ولواندک- دریافت کنند، لذا از رسانه ای شدن امر خود به عنوان معترض و بسته شدن روزنه های امیدشان برای دسترسی به این آرشیوها، ابا دارند.

یعنی شاید همان رویه عافیت طلبی که در عموم ما ایرانی ها هست و در پژوهشگران بیشتر، دلیل فریاد برنیاوردن باشد، اما باین اوصاف امروزه با وجود فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، در این خصوص شاهد اعتراض های بیشتری هستیم. این راهم بگویم که متأسفانه گوش شنواهم وجود ندارد. مدیران چون به صورت رانتی و حزبی انتخاب می شوند، برای خود حاشیه امنی قائل اند و خود را خدمتگزار اهل کتاب و پژوهشگران نمی دانند، لذا آن چنان توجهی هم به این اعتراضات، پابه قول خودشان هاهوهای رسانه ای، نمی کنند.

● **مجموعه هایـــی بی شـــمار از آثار هنری، اسناد خطی و عکس های تاریخی با بیشـــترین کیفیـــت و جزئیات به علاوه اطلاعـــات تکمیلی آن در بســـیاری از کتابخانه هـــا، موزه ها و دانشـــگاه های معتبر جهان، به صورت رایگان در اختیار عموم پژوهشگران و مردم قرار می گیرد، اما در ایران، با وجود فعالیت سازمان ها و موزه ها و دانشگاه هایی که با وجود ردیف بودجه های مشخص و اعتبارات درخور توجه مالی، چنین آثار و اسناد خطی را دراختیار دارند، نه فقط دسترسی مخاطبان و علاقه مندان، بلکه دسترسی پژوهشگران نیز را با سختی ها و موانع زیادی روبه رو ست.**

به نظر شما دلایل این سخت گیری ها و مانع تراشی ها چیست؟

البته باید اشاره کنم که در عموم کتابخانه ها و موزه های دنیا این طور هم نیست که همه چیز رایگان باشد. خود من که به طور مستمر با بسیاری از این مراکز در ارتباط هستم، بارها شده است که برای رفع نیازهایم مجبور به پرداخت هزینه های گزافی شده ام، اما خب، اصل اولیه در همه این مراکز در خارج از کشور تسهیل در ارائه خدمات است. درکنار این اصل دیجیتال سازی منابع مختلف وارائه رایگان آن ها نیز بر اساس سیاست هایی صورت می گیرد. البته این موضوع کم و بیش در برخی از کتابخانه ها و آرشیوهای داخل ایران نیز با دل هایی در نحوه ارائه و کیفیت انجام می شود، اما در یک نگاه کلی تعداد منابع در دسترس و کیفیت دسترسی و ارائه منابع مختلف میراثی ما در پایگاه های اطلاعاتی مختلف دنیا بسیار بیشتر و بهتر از آن چیزی است که در ایران ارائه می شود. شاید مهم ترین دلیل این موضوع نبود تخصص گرایی در سطح کلان است. غالبا مدیران ارشد این کتابخانه ها، موزه ها و مراکز آرشیو، در این حوزه ها متخصص نیستند، البته شاید بتوان این موضوع را در سطحی بالاتر درباره وزیران نیز صادق دانست، مثلا ممکن است وزیر میراث فرهنگی از حوزه ای یا به این وزارتخانه بگذارد که اطلاعات زیادی از موضوع فعالیت وزارتخانه متبوعش نداشته باشد، همچنین وزرای دیگر وزارتخانه های مرتبط با این موضوع نیز احتمالا همین وضعیت را دارند و طبیعی است که مدیران زیرمجموعه او نیز بگویم که انتخاب می شوند که تخصصی در این موضوعات وطبعاد غدغه های این چنین نداشته باشند. هر دا مدیر متخصص و دغدغه مند نیز آمده. این موضوع حل شده است، مثلا زمانی که جناب آقای دکتر رسول جعفریان که خود پژوهشگری برجسته در حوزه تاریخ ومیراث اسلامی است، به عنوان رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی انتخاب می شود. شاهد تحول در این موضوع هستیم. ایشان همین رویه را در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز دنبال می کند، اما در همین سال ها در دیگرکتابخانه های داخل ما بازبدید برچه مینوال بوده است؟

مدیرانی در سرنشت نشسته اند که نه تخصص داشته اند، نه دغدغه و با وجود بودجه فراوان و امکانات بسیار، در موضوع دیجیتال سازی و دسترسی آزاد به اطلاعات، شاهد هیچ عملکرد مثبتی نیستیم. لازمه ارائه خدمات این چنین، سرمایه گذاری کلان و درازمدت است. مرمت و آماده سازی، فهرست نویسی، دیجیتال سازی و اشاعه، امروزی زمان بر و نیازمند به کارگیری نیروهای متخصص و امکانات به روز است. آن زمان سختی تهیه میکروفیلم بود و هزارپایانه دیگر، اما حالا که می شود به راحتی از هرکتاب، نسخه خطی، سند، یا عکس و... تصویر تهیه کرد و به آنی برای هرکس در هرجای دنیا ارسال کرد، واقعا هیچ بهانه ای برای این موضوع وجود ندارد.

در گذشته فهم آزادی اطلاعات و انتشار دسترسی به اطلاعات از قدم رکد باید، ایجاد نشده بود. معدود افرادی چون مینوی، قزوینی، ترینت، تقی زاده و... که به کتابخانه های ترکیه و اروپا رفته بودند، با این قبیل دسترسی ها و سرویس دهی ها آشنا بودند و بسیاری از پژوهشگران تصوری این چنین نداشتند، اما حالا یک دانشجوی ترم اولی هم می داند که مثلا کتابخانه کنگره آمریکا حجم بسیاری از نسخه های خطی فارسی کتابخانه خودش را دیجیتال کرده و به صورت رایگان روی اینترنت قرار داده است که یک سایت عالی قدر و دنیاشناس مطالبه گری می کند که چرا مثلا فلان کتابخانه که با بودجه دولتی و عمومی مشغول فعالیت است این قبیل کارها را انجام نمی دهد و کم کاری می کند.

● **در نظر برخی از علاقه مندان به تاریـــخ و احتمالا برخی از پژوهشگران این حوزه، شائبه هایی وجود دارد مبنی بر اینکه مراکز اسنادی در ارائه اسناد تاریخی به پژوهشگران عامدانه و با هدف کسب منفعت یا سود مالی، محدودیت هایی ایجاد می کنند. به نظرتان این گزاره را می توانیم درست تلقی کنیم؟**

نه. این را قبول نداریم؛ چون اگر این چنین بود، امروز می توانستیم به راحتی با پرداخت پول به نسخه های این کتابخانه ها دسترسی پیدا کنیم، اما باید بگویم متأسفانه حتی این نگرش منفعت طلبانه هم وجود ندارد. من اساسا دریافت (البته معقول) در قبال ارائه خدمات را نمی دانم، بلکه مفید هم می دانم، اما چنانچه بپذیرم آن اشاره کردم اساسا مدیران این چنین بهانه ای ندارند نداشتن تخصص و آگاهی لازم، به نفس اشاعه اطلاعات و فواید و منافع آن برای تاریخ وفرهنگ این مملکت واقف نیستند. در کتابخانه های بزرگ مملکت، دنیا امکانات فراوانی برای پژوهشگر فراهم کرده اند که به راحتی و رایگان بتواند با حضور در آن کتابخانه هزینه هنگفتی را که می خواهد، ببیند و مطالعه کند. اما خب، اگر به تصویری بالیفیت تر از آن نیاز داشت، با دریافت وجهی این امکان را به او داده می شود، اما مشکل در کتابخانه ها و مراکز آرشیوی و موزه ای ما این است که او را مایلی دانیم در آن ها به مشاهده وجود دارد و در وهله بعد هم اگر بدانیم، امکان دریافت خدمات حضوری به راحتی فراهم نیست و از همه بدتر، دسترسی های دیجیتال حتی در قبال دریافت هم با وجود ندارد، یا به سختی فراهم است.

الان مدت هاست کتابخانه مجلس که چندی پیش سایتش هک شد، هیچ نوع خدمات برخطی ندارد و درخصوص خدمات حضوری هم محدودیت های آزاردهنده ای وجود دارد. همین موضوع درخصوص کتابخانه ملی هم به شکل دیگری وجود دارد. کتابخانه آیت...مرعشی در قم درحوزه خدمات رسانی به پژوهشگر فاجعه است، نه وب سایت برخطی دارد که بتوانید از مکانی به جرقم به اطلاعات نسخه ها دسترسی داشته باشید، نه دیجیتال سازی صورت گرفته است که بتوانید این نسخه ها را برخط ببینید، یا دانلود کنید، وقتی هم حضوری می روید، برای دسترسی به این نسخه ها هزاران اما و اگر وجود دارد.

● **درگفت وگوهایی که با پژوهشگران تاریخ داشتم، همگی و متفق القول معتقد بودند که سخت گیری ها و مانع تراشی ها در انتشار و دسترسی به اسناد و آثار تاریخی بخش مهمی از حقایق تاریخی را که جنبه آگاهی بخش دارد و می تواند بر نقاط تاریک تاریخ ایران نوربتاباند، همچنان در گوشه تاریک قفسه های مخازن نگهداری اسناد نگه دارد و اطلاعات مهمی از تاریخ و فرهنگ و هنر ایران به دسترس مردم کند. به نظرتان چگونه می توان مانع از این حبس تاریخی شد؟**

قطعا همین طور است. ببینید کتابخانه موزه بریتانیا خود دیگر یکصد سال پیش فهرست کتاب های چاپی فارسی موجود در مخزن خود را فهرست کرده است. دقت کنید صحبت بر سر کتاب های انگلیسی یا کتاب های به زبان های اروپایی دیگر نیست. کتاب های چاپی فارسی را فهرست و منتشر کرده اند. این درحالی است که کتابخانه ملی ما هنوز موفق نشده است فهرست کاملی از کتاب های چاپی کهن موجود در آرشیو خود را منتشر کند و آنچه در پایگاه برخط خود ارائه داده است نیز بسیار پرغلط و مشوش است. هنوز نیمی از نسخه های خطی موجود در کتابخانه ملی ما در دوره ها همانند کتابخانه آیت...مرعشی، آستان قدس، کتابخانه ملی و... فهرست نشده اند.

تعداد اسناد فهرست نشده در مراکز آرشیوی ما بسیار زیاد است و این درحالی است که فهرست شده است نیز تاقص و پرغلط است و از همه مهم تر دسترسی به آن هانیز معضل بزرگی است. ما درچنین شرایطی، چگونه می توانیم به تدوین وتحلیل درستی از تاریخ کشور خود اقدام کنیم؟! یکی از وظایف کتابخانه ملی شناسایی منابع فارسی و شیعی و اسلامی در دیگر کتابخانه های جهان است. اقدامی که در دوره پهلوی با اهتمام محمد قزوینی و مجتبی مینوی و... کم وبیش انجام می شد و تأثیرات مثبت آن هنوزهم دیده می شود، اما در دوره پس از انقلاب و مخصوصا حالا که دیجیتال سازی و دسترسی به منابع خطی دوچندان شده است و این کتابخانه می تواند با بازتعریف این مأموریت سرعت درخورتوجهی کتابخانه ها دسترسی پیدا کنیم، اما باید بگویم متأسفانه حتی این نگرش منفعت طلبانه هم وجود ندارد. من اساسا دریافت (البته معقول) در قبال ارائه خدمات را نمی دانم، بلکه مفید هم می دانم، اما چنانچه بپذیرم آن اشاره کردم اساسا مدیران این چنین بهانه ای ندارند نداشتن تخصص و آگاهی لازم، به نفس اشاعه اطلاعات و فواید و منافع آن برای تاریخ وفرهنگ این مملکت واقف نیستند.

● **آیا پیش از این هم مســـد کردن راه های دسترســـی پژوهشگران به اسناد تاریخی سابقه داشته است؟**

متأسفانه دسترسی نداشتن به منابع کتابخانه ها و آرشیوها در ایران سابقه ای طولانی دارد. مرحوم مینوی که پژوهشگری بزرگ و دنیادیده بود، در مقاله ای باعنوان «خزاین ترکیه» که در سال ۱۳۳۹ در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتشر می کند، این چنین فریاد برمی آورد که «... مالک کتاب مالک جلد و کاغذ آن است، نه مالک مطلب آن. مؤلف کتاب را برای آن نوشته است که دیگران بخوانند و اخلاف از گفته و نوشته اسلاف مطلع گردند و برای آن نوشته است که در محله کاغذفروشان محیوس بماند و بپوسد. کتابخانه ای که از مندرجات نسخه های محفوظ در آن طالبین استفاده نتوانند کرد، با انبوهی خشت و سنگ تفاوت ندارد... هرکس که از نشر کتابی مانع شود، مرتکب قتل مؤلف آن است و به کلیه نسل ها و اجیال بشر از امروز تا آخر دنیا زیانی جبران ناپذیر وارد آورده است.»

حالا چه شد که مینوی این را نوشته است؟ داستان از قرار این قرار بوده است که یک استاد عالی قدر و دنیاشناس ترکیه، یوسف رزکی ولیدی طغان، به دعوت دانشگاه تهران برای کنگره ای به ایران می آید و برای دیدن نسخه ای به کتابخانه ملک می رود و تقاضای تصویر صفحه از کتابی تاریخی می کند. ولی مدیر وقت آن کتابخانه، یعنی مرحوم احمد سهیلی، اجازه چنین کاری را نمی دهد.

این را گفتم که بدانیم این داستان ها اصلا چیز های جدیدی نیست و متأسفانه در دنیای امروز- که دنیای اطلاعات و دسترسی به اطلاعات است- هم باز وضع به همین منوال است. آن زمان سختی تهیه میکروفیلم بود و هزارپایانه دیگر، اما حالا که می شود به راحتی از هرکتاب، نسخه خطی، سند، یا عکس و... تصویر تهیه کرد و به آنی برای هرکس در هرجای دنیا ارسال کرد، واقعا هیچ بهانه ای برای این موضوع وجود ندارد.

● **آیا بیـــش از این هم مســـد کردن راه های دسترســـی پژوهشگران به اسناد تاریخی سابقه داشته است؟**

متأسفانه دسترسی نداشتن به منابع کتابخانه ها و آرشیوها در ایران سابقه ای طولانی دارد. مرحوم مینوی که پژوهشگری بزرگ و دنیادیده بود، در مقاله ای باعنوان «خزاین ترکیه» که در سال ۱۳۳۹ در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتشر می کند، این چنین فریاد برمی آورد که «... مالک کتاب مالک جلد و کاغذ آن است، نه مالک مطلب آن. مؤلف کتاب را برای آن نوشته است که دیگران بخوانند و اخلاف از گفته و نوشته اسلاف مطلع گردند و برای آن نوشته است که در محله کاغذفروشان محبوس بماند و بپوسد. کتابخانه ای که از مندرجات نسخه های محفوظ در آن طالبین استفاده نتوانند کرد، با انبوهی خشت و سنگ تفاوت ندارد... هرکس که از نشر کتابی مانع شود، مرتکب قتل مؤلف آن است و به کلیه نسل ها و اجیال بشر از امروز تا آخر دنیا زیانی جبران ناپذیر وارد آورده است.»

حالا چه شد که مینوی این را نوشته است؟ داستان از قرار این قرار بوده است که یک استاد عالی قدر و دنیاشناس ترکیه، یوسف رزکی ولیدی طغان، به دعوت دانشگاه تهران برای کنگره ای به ایران می آید و برای دیدن نسخه ای به کتابخانه ملک می رود و تقاضای تصویر صفحه از کتابی تاریخی می کند. ولی مدیر وقت آن کتابخانه، یعنی مرحوم احمد سهیلی، اجازه چنین کاری را نمی دهد.

این را گفتم که بدانیم این داستان ها اصلا چیز های جدیدی نیست و متأسفانه در دنیای امروز- که دنیای اطلاعات و دسترسی به اطلاعات است- هم باز وضع به همین منوال است. آن زمان سختی تهیه میکروفیلم بود و هزارپایانه دیگر، اما حالا که می شود به راحتی از هرکتاب، نسخه خطی، سند، یا عکس و... تصویر تهیه کرد و به آنی برای هرکس در هرجای دنیا ارسال کرد، واقعا هیچ بهانه ای برای این موضوع وجود ندارد.

در گذشته فهم آزادی اطلاعات و انتشار دسترسی به اطلاعات از قدم رکد باید، ایجاد نشده بود. معدود افرادی چون مینوی، قزوینی، ترینت، تقی زاده و... که به کتابخانه های ترکیه و اروپا رفته بودند، با این قبیل دسترسی ها و سرویس دهی ها آشنا بودند و بسیاری از پژوهشگران تصوری این چنین نداشتند، اما حالا یک دانشجوی ترم اولی هم می داند که مثلا کتابخانه کنگره آمریکا حجم بسیاری از نسخه های خطی فارسی کتابخانه خودش را دیجیتال کرده و به صورت رایگان روی اینترنت قرار داده است که یک سایت عالی قدر و دنیاشناس مطالبه گری می کند که چرا مثلا فلان کتابخانه که با بودجه دولتی و عمومی مشغول فعالیت است این قبیل کارها را انجام نمی دهد و کم کاری می کند.

● **در نظر برخی از علاقه مندان به تاریـــخ و احتمالا برخی از پژوهشگران این حوزه، شائبه هایی وجود دارد مبنی براینکه مراکز اسنادی در ارائه اسناد تاریخی به پژوهشگران عامدانه و با هدف کسب منفعت یا سود مالی، محدودیت هایی ایجاد می کنند. به نظرتان این گزاره را می توانیم درست تلقی کنیم؟**

نه. این را قبول نداریم؛ چون اگر این چنین بود، امروز می توانستیم به راحتی با پرداخت پول به نسخه های این

مجید غلامی جلیسه یکی از نویسندگان و پژوهشگران مطرح حوزه تاریخ و نسخ خطی در ایران است و علاوه بر تحصیلات آکادمیک، دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه (اصفهان و قم) است.

او علاوه بر نوشتن و تالیف کتاب های پرمغز در حوزه تاریخ، کارنامه پربار ی هم در حوزه پژوهش های تاریخی و نسخ خطی از خود به جا گذاشته است و سوابق اجرایی بی شماری نیز در حوزه فرهنگ دارد که از آن جمله می توان به حضور او به عنوان معاون پژوهشی، فرهنگی و آموزشی خانه کتاب و مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب (۱۳۹۳- ۱۳۹۷) اشاره کرد. این پژوهشگر نسخ خطی پژوهشگاه عالی تاریخ ایران و فرانسه همچنین سابقه مدیرعاملی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و داوری در رویدادهایی همچون هشتمین دوره حامیان دوره خطی مجلس شورای اسلامی (۱۲۸۵)، کتاب سال ایران در بخش نسخ خطی (۱۳۹۲- ۱۳۹۶) و کتاب فصل در بخش نسخ خطی و کلیات (۱۳۹۳) را در کارنامه فعالیت های خود دارد.

عکس شماره ۱۳۱ از آلبـــوم ۲۴۰ کاخ موزه گلستان، دورنمایی از امامزاده سلطان ابراهیم قوچان است که در سال ۱۳۱۱ قمری توسط عبدا... قاجار گرفته شده است

عکس شماره ۱۳۷ از آلبـــوم ۲۴۰ کاخ موزه گلستان، تصویر فرسنگان قنلگاه مشهد است که توسط آقا رضا عکاس باشی در سال ۱۲۸۴ قمری گرفته شده است

این عکس را عبدا... قاجار گرفته است. در تصویر رئیس تلگراف خانه سرخس را به همراه جمعی از کارکنانش می بینید

● **و تبعات ادامه دار این انحصارگرایی و در اختیار قرار ندادن اسناد و عکس های تاریخی در درازمدت چیست؟**

این موضوع در همه این سال ها تبعات فراوانی برای ما داشته است. یکی از بزرگ ترین نتایج این انحصارطلبی نگارش ناقص وچه بسا جانب دارانه تاریخ است. خود این موضوع بسیار حائز اهمیت است. اینکه درعصری دیگر می کنیم که با وجود انواع امکانات و دسترسی هایی که باید وجود داشته باشد. گذشته ایران ما ناقص نگاشته می شود و ارزیابی می شود. طبیعا بسیار وخشناک و تاراحت کننده است. مگر جز این است که بسیاری از تصمیم گیری های فعلی ما برای جامعه امروز بر مبنای پژوهش های تاریخ نگر است؟! خب، حالا این تاریخ خود به این موضوع دهد. کارهای یومیه خود- مثلا خرید نسخه های خطی داخل ایران- رانیز به زورانجام می هد. کتابخانه ملی ایران طی سه سال گذشته بنابر گزارشی که چندی پیش در وب سایت خود منتشر کرد، تنها ۶۷ نسخه خطی خریداری کرده است. در حالی که بسیاری از کلکسیونرهای ایرانی یا کتابخانه های خارجی ده ها برابر این را در سال خریداری می کنند. قاچاق نسخه های خطی از داخل ایران به خارج چندین برابر شده است و این چیزی نیست مگر بی توجهی و اهمال کاری مراکزی چون کتابخانه ملی ما مدارد وما و هستیم که به واسطه وجود انبوهی از دستنویس ها امکان نگارشی تحلیلی و دقیق تر از عرضاتی از تاریخ این مملکت را داریم. اما متأسفانه به واسطه همین انحصارطلبی ها و نگاه های غیرتخصصی و بسته، به بدترین شرایط به سر می بریم. پژوهشگر جوان ما باید برای دسترسی به یک برگ سند یا تصویر یک نسخه خطی تا فلان کتابخانه برود و دست آخر هم موضوع تحقیق یا پایان نامه خود را عوض کند. زیرا کتابخانه یا مرکز سندی یا او همکاری لازم را نمی کند.

● **و تبعات ادامه دار این انحصارگرایی و در اختیار قرار ندادن اسناد و عکس های تاریخی در درازمدت چیست؟**

این موضوع در همه این سال ها تبعات فراوانی برای ما داشته است. یکی از بزرگ ترین نتایج این انحصارطلبی نگارش ناقص وچه بسا جانب دارانه تاریخ است. خود این موضوع بسیار حائز اهمیت است. اینکه درعصری دیگر می کنیم که با وجود انواع امکانات و دسترسی هایی که باید وجود داشته باشد. گذشته ایران ما ناقص نگاشته می شود و ارزیابی می شود. طبیعا بسیار وخشناک و تاراحت کننده است. مگر جز این است که بسیاری از تصمیم گیری های فعلی ما برای جامعه امروز بر مبنای پژوهش های تاریخ نگر است؟! خب، حالا این تاریخ خود به این موضوع دهد. کارهای یومیه خود- مثلا خرید نسخه های خطی داخل ایران- رانیز به زورانجام می هد. کتابخانه ملی ایران طی سه سال گذشته بنابر گزارشی که چندی پیش در وب سایت خود منتشر کرد، تنها ۶۷ نسخه خطی خریداری کرده است. در حالی که بسیاری از کلکسیونرهای ایرانی یا کتابخانه های خارجی ده ها برابر این را در سال خریداری می کنند. قاچاق نسخه های خطی از داخل ایران به خارج چندین برابر شده است و این چیزی نیست مگر بی توجهی و اهمال کاری مراکزی چون کتابخانه ملی ما مدارد وما و هستیم که به واسطه وجود انبوهی از دستنویس ها امکان نگارشی تحلیلی و دقیق تر از عرضاتی از تاریخ این مملکت را داریم. اما متأسفانه به واسطه همین انحصارطلبی ها و نگاه های غیرتخصصی و بسته، به بدترین شرایط به سر می بریم. پژوهشگر جوان ما باید برای دسترسی به یک برگ سند یا تصویر یک نسخه خطی تا فلان کتابخانه برود و دست آخر هم موضوع تحقیق یا پایان نامه خود را عوض کند. زیرا کتابخانه یا مرکز سندی یا او همکاری لازم را نمی کند.

● **و تبعات ادامه دار این انحصارگرایی و در اختیار قرار ندادن اسناد و عکس های تاریخی در درازمدت چیست؟**

این موضوع در همه این سال ها تبعات فراوانی برای ما داشته است. یکی از بزرگ ترین نتایج این انحصارطلبی نگارش ناقص وچه بسا جانب دارانه تاریخ است. خود این موضوع بسیار حائز اهمیت است. اینکه درعصری دیگر می کنیم که با وجود انواع امکانات و دسترسی هایی که باید وجود داشته باشد. گذشته ایران ما ناقص نگاشته می شود و ارزیابی می شود. طبیعا بسیار وخشناک و تاراحت کننده است. مگر جز این است که بسیاری از تصمیم گیری های فعلی ما برای جامعه امروز بر مبنای پژوهش های تاریخ نگر است؟! خب، حالا این تاریخ خود

گفت و گوی تاریخ
بخش سوم

اعتراض صواب به امری ناصواب

بخشی از گفت وگو با مجید جلیسه به ماجرای انتشار غیر رسمی تعدادی از آلبوم های کاخ موزه گلستان اختصاص داشت، موضوعی که به نظر می رسد همچنان ابعاد بسیاری برای پرداختن دارد؛ برای نمونه موضوع آلبوم های سایه که خرداد امسال در فضای مجاز منتشر شد. جلیسه در این بخش از گفت وگو شرح مفصلی از گنجینه عکس کاخ موزه گلستان می دهد و بر این باور است که دسترسی به همه منابع موجود از عکس های تاریخی کاخ موزه گلستان می تواند تأثیر شگرفی در پژوهش های تاریخی مربوط به دوره قاجار داشته باشد و حتی می تواند موجب بازنگری در بسیاری از پژوهش ها و اطلاعات موجود شود.

کتابخانه کاخ گلستان یکی از قدیمی ترین کتابخانه های کشور و قدیمی ترین کتابخانه دوران قاجار است. باید این کتابخانه را مرکز اسناد حکومت دوره قاجار دانست که طی حکومت این سلسله برایران. هر چه از اسناد، مدارک، عکس ها، نقشه ها، کتاب ها و... مربوط به این دوره بوده است در این کتابخانه آرشیو می شده است؛ البته بخش زی